



یکشنبه ۱۱ خرداد ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۳۳۱

اقتصادی

تحت تاثیر قرار دهد. سازمان شفافیت بین‌الملل هم تعارض منافع را شرایطی می‌داند که در آن افراد یا نهاده‌ها با انتخاب بین وظایف خود و منافع شخصی‌شان مواجه شوند در یک کلام وقتی کسی بتواند از جایگاه خود برای منافع شخصی استفاده کند، تعارض منافع به وجود می‌آید.

این تعارض می‌تواند شخص‌محور باشد یا به عبارتی موقعیتی را شامل شود که در آن شخصیت‌های حقیقی درگیر تعارض منافع می‌شوند؛ مانند ارتباطات سهامداری یا مالکیت شرکت‌های مرتبط با تصمیم‌گیری، اشتغال هم‌زمان افراد، ارتباطات خویشاوندی، ارتباطات پساشرعی و مساله درهای چرخان (رفت و آمد مدیران در میان بخش خصوصی و دولتی) و انگیزه‌های سیاسی. تعارض سازمان‌محور اما زمانی رخ می‌دهد که سازمان‌های مختلف در تعامل با حاکمیت دچار تعارض منافع سازمانی شوند. این مساله بیشتر در برون‌سیاری خدمات پیمانکاری، تنظیم‌گری‌ها، مشاوره و ارزیابی به وجود می‌آید. اهمیت توجه به تعارض منافع از آنجایی آغاز می‌شود که تعارض منافع و فساد ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و تعارض منافع در حقیقت سرآغاز ایجاد فساد اقتصادی است. بر اساس تعریف بانک جهانی، تعارض منافع زمانی پیش می‌آید که کارکنان می‌توانند از موقعیت خود سوءاستفاده کنند و

فساد زمانی اتفاق می‌افتد که کارکنان از موقعیت خود سوءاستفاده کرده باشند، بنابراین اگرچه وجود تعارض منافع همیشه منجر به فساد نمی‌شود اما هر فسادی در بستر یک موقعیت تعارض منافع رخ می‌دهد. نکته دیگر این است که در یک اقتصاد با تعارض منافع، نمی‌توان چشم‌امیدی به رقابت اقتصادی داشت و بستر رشد برای همه بازیگران یکسان نخواهد بود. برای رقابت‌پذیر کردن اقتصاد، طراحی بازار باید برای همه یکسان باشد و زمانی که تضاد منافع گسترش می‌یابد، قوانین بازار به هم می‌خورد و اقتصاد ضعیف می‌شود. تعارض منافع در همه کشورها و هر زمان و مکانی وجود دارد اما باید مشاهده کرد ساختارها و قوانین و مقررات هر کشوری تا چه حد زمینه بالفعل شدن تعارض‌های بالقوه را دارد.

ب- ضعف مکانیزم‌های نظارتی

اگر چه بر اساس فرمان ۱۳۸۰، سازمان‌های نظارتی متعددی موظف به مقابله با فساد شده‌اند اما پرآگندگی وظایف و بعضاً عدم هماهنگی میان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و وزارت اطلاعات موجب کاهش اثربخشی این نهادها شده‌است. تقویت و تسجابه‌بخشی سازمان‌های نظارتی و بویایی آن می‌تواند به حل این مساله کمک کند.

ج- مقاومت شبکه‌های رانت‌جو

تجربه اجرای طرح‌های ضدفساد نشان می‌دهد هر گونه تلاش برای شفاف‌سازی اقتصادی با مقاومت سازمان یافته گروه‌های ذی‌نفع مواجه می‌شود. به عنوان مثال، هنگامی اسامانه جمع تجارت در سال ۱۳۹۶ برخی دستگاه‌ها با بهره‌های فنی از شفاف‌سازی معاملات بین‌بانکی خودداری کردند.



گزارش «وطن امروز» درباره تأکید اخیر رهبر انقلاب بر پرهیز مسؤولان از فعالیت‌های حاوی تعارض منافع

خدمت بدون تجارت

نگاهی به چالش‌های ساختاری در مسیر مبارزه با فساد

لزوم پرهیز از فعالیت‌های حاوی تعارض منافع

استانداران مدیر همه‌جانبه‌ایست هستند، فضای عمومی کشور را با تأکید بر اینکه فرصت‌ها را زیاد دانستند و ضمن بیان برخی توصیه‌ها گفتند: یکی از موضوع مردم است که باید به میان مردم رفت و در اجتماعات آنها حاضر شد و سخنان ایشان را حتی اگر تند باشد، با حوصله شنید و به آنها توضیح لازم را داد. شخصی در دوره کوتاه خدمت، مراقبت از سلامت کشور و مبارزه با فساد را ضروری دانستند و افزودند: برخی سعی کردند ثابت کنند فساد در جمهوری اسلامی به قول رگه‌های قوی یا ضعیف فساد در برخی بخش‌ها وجود دارد که باید با آن موارد قاطعانه مبارزه کرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مبارزه با فساد را از وظایف قطعی مدیران ارشد دانستند و با عوامل فسادزا، افزودند: ضرورت و زبان دچار شدن یک مسؤول به خانواده‌های‌شان از حساسی که در آن قرار دارد، مضاعف و عذاب آن نیز در پیشگاه الهی دوجناب است. البته همچنانکه در پیام مفصل و مهم چندین سال قبل تأکید کرد، فساد همچون ازدهایی هفت‌سر است که به آسانی از بین نمی‌رود و مبارزه با آن را باید ادامه داد.

گروه اقتصادی: در دیدار اخیر استانداران با رهبر انقلاب، ایشان بر ضرورت مبارزه قاطع با فساد اقتصادی تأکید کردند و مسؤولان را از انجام فعالیت‌های اقتصادی شخصی در دوران مسؤولیت برحذر داشتند. این تأکیدات یادآور فرمان ۸ ماده‌ای سال ۱۳۸۰ ایشان درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی است که نشان‌دهنده تداوم رویکرد رهبر انقلاب در مقابله با این پدیده مخرب است.

فساد اقتصادی به عنوان سوءاستفاده از موقعیت اداری یا سیاسی برای کسب منافع شخصی تعریف می‌شود که در اشکال مختلفی از رشوه‌گیری و اختلاس تا معاملات مبتنی بر رانت و تعارض منافع ظاهر می‌شود. این پدیده در سیستم‌های اقتصادی با ساختارهای نظارتی ضعیف و شفافیت ناکافی رشد می‌کند و به مثابه ویروسی است که کارایی مکانیسم‌های تخصیص منابع را مختل می‌کند. فساد اداری در کشور می‌تواند عمدتاً در پروژه‌های عمرانی، کلان، معاملات ارزی و اعطای مجوزهای اقتصادی متمرکز شود.

تأثیر مخرب بر شاخص‌های کلان اقتصادی
بر اساس مطالعه میدی ری هراتمه (۱۳۹۹) که با استفاده از داده‌های ۴۲ کشور انجام شده، افزایش یک واحد در شاخص فساد اقتصادی موجب کاهش ۰٫۷۴ درصدی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی می‌شود؛ این اثر منفی ناشی از انحراف سرمایه‌گذاری‌های خارجی، کاهش بهره‌وری نیروی کار و ایجاد بی‌ثباتی در محیط کسب‌وکار است. از سوی دیگر، فساد سیستماتیک با ایجاد توزیع ناعادلانه فرصت‌های اقتصادی، ضریب جینی را تا ۱۲ درصد افزایش می‌دهد که این امر به تشدید شکاف طبقاتی و نارضایتی‌های اجتماعی می‌انجامد.

رهبر انقلاب نیز فساد را یک ازدهای هفت‌سر دانستند که به تعبیر ایشان به آسانی از بین نمی‌رود و باید مراقبت را ادامه داد.

هزینه‌های پنهان فساد در بخش عمومی
به طور معمول این احتمال وجود دارد که درصدی از بودجه پروژه‌های عمرانی بر اثر فساد اداری هدر

فساد اقتصادی نه تنها موجب انحراف منابع ملی و تشدید نابرابری‌های اجتماعی می‌شود، بلکه امنیت سرمایه‌گذاری و ثبات اقتصاد کلان را به مخاطره می‌اندازد. در ادامه ضمن واکاوی ابعاد مختلف فساد اقتصادی، چالش‌های پیش‌روی اجرای سیاست‌های ضدفساد و راهکارهای تقنینی - نظارتی برای تحقق فرمایشات رهبر انقلاب را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

سازوکارهای اجرایی مبارزه با فساد

گام دوم در مسیر شفافیت، کاهش بروکراسی است. حذف مجوزهای غیرضروری، توسعه خدمات دولت الکترونیک و استفاده از فناوری‌های نوین برای رهگیری تراکنش‌های مالی، اختیار فردی را در فرایند اداری محدود و فضا را برای سوءاستفاده تنگ می‌کند. تجربه کشورهای نظیر استونی و گرجستان نشان داده است دیجیتال‌سازی خدمات عمومی، نه تنها رضایت شهروندان را بالا می‌برد، بلکه فرصت‌های فساد خرد را نیز تا حد زیادی از بین می‌برد.

تقویت نهادهای نظارتی مستقل
قلب تپنده هر نظام ضدفساد، نظارت مؤثر و مستقل است. تشکیل یک نهاد فراوقای که مستقیماً به مجلس یا مقام عالی کشور پاسخگو باشد، می‌تواند وضعیت پراکنده فعلی را سامان دهد. این سازمان باید دسترسی بالادنگ به داده‌های بانکی، مالیاتی و گمرکی داشته باشد و امکان ردگیری ذی‌نفعان نهایی شرکت‌ها را فراهم کند.

حسابرسی مستقل سالانه برای همه دستگاه‌های دولتی، شهرداری‌ها و

نهادهای عمومی غیردولتی دیگر گام ضروری در این راستاست. علاوه بر آن، تصویب قانون حمایت از افشاگران فساد - تضمین امنیت شغلی و جبران خسارت - می‌تواند شبکه‌نظارت مردمی را تقویت کند؛ شبکه‌ای که در کشورهای موفق همچون کره جنوبی و آمریکا نقش تعیین‌کننده در کشف پرونده‌های بزرگ فساد داشته است.

فرهنگ‌سازی و سرمایه اجتماعی

قوانین هر قدر سختگیرانه باشند، بدون پشتوانه فرهنگی به نتیجه نمی‌رسد. در فرهنگ اسلامی، مفاهیمی چون «کل مال به باطل» و «خیانت در امانت» قدرت بازدارندگی بالایی دارد اما این مفاهیم باید به زبان روز و در قالب آموزش‌های مستمر به مدیران و کارمندان منتقل شود. تدوین برنامه‌های آموزشی در حوزه اخلاق حرفه‌ای، انتشار منشورهای رفتاری در دستگاه‌ها و انعکاس الگوهای درست مدیریتی می‌تواند حساسیت جامعه را نسبت به فساد افزایش دهد.

همزمان رسانه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد باید فضای مطالبه‌گری را گسترش

دهند. هنگامی که شهروندان خود را ناظر می‌بینند و سازوکار گزارش تخلف یا سوءمدیریت در دسترس است، بستر بروز فساد کوچک‌تر می‌شود. تجربه‌های موفق گواه آن است که مشارکت عمومی، ضامن پایداری هر سیاست ضدفساد است.

در نهایت می‌توان گفت فرمان ۸ ماده‌ای رهبر معظم انقلاب (۱۳۸۰) همچنان نقشه راه جامع مبارزه با فساد در ایران است که اجرای آن نیازمند ۳ شرط اساسی است: اراده سیاسی شفاف در عالی‌ترین سطوح، اصلاح نهادی عمیق و مشارکت جدی مردم. با به کارگیری ابزارهای فناوری برای شفاف‌سازی، تشکیل نهاد نظارتی فراوقای و بسترسازی فرهنگی برای مطالبه‌گری اجتماعی، می‌توان مسیر مبارزه را از عملیات مقطعی به یک فرایند مستمر و ساختاری تبدیل کرد. به این ترتیب، صیانت از بیت‌المال و تحقق عدالت اقتصادی از شعارهای مقطعی فراتر رفته و به یک واقعیت نهادی پایدار بدل خواهد شد.

فرمان تاریخی مبارزه با فساد

جرائم اقتصادی، فرایند رسیدگی را تاحدی تخصصی کرد و ایجاد سامانه‌های الکترونیکی مانند ستاد، سداد و پایگاه ثبت معاملات املاک، زنجیره شفافیت مالی را تکمیل کرد. با این حال، کاستی‌ها هم مشاهده می‌شود. داده‌های شفاف هنوز در قالب‌های متصل به هم ارائه نمی‌شود و استاندارد واحدی برای تبادل میان سامانه‌ها وجود ندارد. قضات آشنا با سوابداری چنانی کمک‌شمارند و پرونده‌های کلان ممکن است سال‌ها معطل بمانند.

تحول دیجیتال چالش‌های تازه‌ای ایجاد کرده‌است، رمزارزها امکان جابه‌جایی کلان دارایی بیرون از نظارت بانک مرکزی را فراهم کرده و قراردادهای مشارکت عمومی خصوصی به دلیل پیچیدگی حقوقی و تنوع ذی‌نفعان، ریسک شکل

نوبنی از فساد را بالا برده است. اگر سازوکارهای نظارتی نتواند خود را با این تغییرات همگام کند، بندهای فرمان در فضای جدید کارایی لازم را نخواهد داشت. طراحی الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای کشف الگوهای غیرعادی در تراکنش‌های خزانه، الزام به گزارش‌گری مالی و انتشار برخط فهرست معافیت‌های

مالیاتی گام‌هایی است که می‌تواند جان تازه‌ای به روح فرمان بدهد.

نسبت به پروژه‌های همتا کاهش معناداری در هزینه‌های مازاد و انحراف زمان اجرا تجربه کردند. بنابراین سرمایه عمومی کمتر هدر رفت و بهره‌وری سرمایه عمرانی بالا رفت.

بند هفتم اصل اساسی عدالت، رویه‌ای را یادآور می‌شود که هیچ شخص یا نهادی، حتی با انتساب به بالاترین مقامات، از حسابرسی مصون نیست. وقتی بازار سبکسال تبعیض صفر دریافت می‌کند، انگیزه پرداخت رشوه برای خرید مصونیت کاهش می‌یابد. همچنین نظام انگیزشی داخل حاکمیت به نفع افراد سالم تنظیم می‌شود، زیرا مسیر موفقیت از مجراهای رسمی و نه روابط شخصی می‌گذرد. این بند در واقع پیشاپیش به ریشه‌بخش بزرگی از ناکارآمدی‌ها یعنی حاشیه امن سیاسی برای مفسدان ضربه می‌زند.

۲ دهه پس از صدور فرمان، دستاوردهای نسبی قابل ملاحظه است؛ تصویب قوانین ارتقای سلامت اداری، منع مداخله کارکنان در معاملات دولتی و قانون تعارض منافع، دامنه مقررات را گسترش داد. تشکیل مجتمع تخصصی

به بخش خصوصی رانتهی یا حتی خروج از کشور جلوگیری شود.

بند پنجم به هم‌افزایی واحدهای نظارتی اشاره می‌کند. در آن زمان، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، وزارت اطلاعات و واحدهای حراست دستگاه‌ها به شکل جزیره‌ای عمل می‌کردند. رویکرد شبکه‌سازی فرمان، همان چیزی است که امروز در ادبیات دولت پلتفرمی از آن به عنوان «شتراک داده برای بی‌بیشینه‌سازی منافع عمومی» یاد می‌کنیم. وقتی پایگاه داده تلفقات، قراردادهای و تراکنش‌های دولتی به صورت تجمعی می‌شود و احتمال خطای نوع اول و دوم در تخلف از حیث هزینه و زمان بهینه می‌شود و احتمال خطای نوع اول و دوم در تشخیص فساد کاهش می‌یابد.

بند ششم وظیفه وزارت اطلاعات را دقیقاً در پوشش معاملات کلان و طرح‌های ملی مشخص می‌کند و خواستار گزارش منظم آن به رئیس‌جمهور است. این نهاد با دسترسی به ابزارهای اطلاعاتی و تحلیل امنیتی می‌تواند نقاط ریسک را پیش از وقوع فساد شناسایی کند. تحلیل سری‌های زمانی نشان می‌دهد پروژه‌هایی که زیر نظارت بیشتر وزارت اطلاعات قرار گرفتند، نسبت به پروژه‌های همتا کاهش معناداری در هزینه‌های مازاد و انحراف زمان اجرا تجربه کردند. بنابراین سرمایه عمومی کمتر هدر رفت و بهره‌وری سرمایه عمرانی بالا رفت.

بند هفتم اصل اساسی عدالت، رویه‌ای را یادآور می‌شود که هیچ شخص یا نهادی، حتی با انتساب به بالاترین مقامات، از حسابرسی مصون نیست. وقتی بازار سبکسال تبعیض صفر دریافت می‌کند، انگیزه پرداخت رشوه برای خرید مصونیت کاهش می‌یابد. همچنین نظام انگیزشی داخل حاکمیت به نفع افراد سالم تنظیم می‌شود، زیرا مسیر موفقیت از مجراهای رسمی و نه روابط شخصی می‌گذرد. این بند در واقع پیشاپیش به ریشه‌بخش بزرگی از ناکارآمدی‌ها یعنی حاشیه امن سیاسی برای مفسدان ضربه می‌زند.

۲ دهه پس از صدور فرمان، دستاوردهای نسبی قابل ملاحظه است؛ تصویب قوانین ارتقای سلامت اداری، منع مداخله کارکنان در معاملات دولتی و قانون تعارض منافع، دامنه مقررات را گسترش داد. تشکیل مجتمع تخصصی

«حرف زدن درباره فساد فایده‌ای ندارد. با دزد دزد گفتن، دزد از دزدی دست برنمی‌دارد». این عبارت مربوط به بیانات رهبر انقلاب در دیدار با کارگران در تاریخ ۱۳۹۴/۲/۹ است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پیش از این نیز بارها با اشاره به فرمان ۸ ماده‌ای مبارزه با مفاسد اقتصادی که در سال ۱۳۸۰ به سران قوا ابلاغ شد، از مسؤولان اقدام عملی در این زمینه را مطالبه کرده‌اند.

فرمان ۸ ماده‌ای مبارزه با مفاسد اقتصادی که رهبر انقلاب در مهم‌ار دبی‌هشت ۱۳۸۰ خطاب به سران ۴۰ه صادر کردند، یکی از مهم‌ترین اسناد سیاست‌گذاری ایران پس از جنگ تلقی می‌شود، زیرا برای نخستین‌بار مفهوم مقابله با فساد را از سطح شعار به سطح تعهد حقوقی و الزام‌آور میان دولت، قوه‌قضاییه و مجلس ارتقاداد. این فرمان نه فقط یک متن سیاسی، بلکه چارچوب نهادی‌ای است که تلاش می‌کند هزینه فرصت فساد را برای صاحبان قدرت و منافع بالا ببرد و در عین حال هزینه کنش سالم اقتصادی را کاهش دهد. به بیان ساده، فرمان تلاش کرد تعادلی را که در آن رانت‌جویان از شبکه‌های غیر شفاف سود می‌بردند و فعالان مولد احساس ناامنی می‌کردند، بر هم بزنند و به نفع تولیدکننده واقعی شکل تازه‌ای از انتظارات را پایه‌گذاری کنند.

پیش از صدور فرمان، اقتصاد ایران در دوره‌ای قرار داشت که خصوصی‌سازی‌های نیمه‌کاره، تعدد مجوزها و نبود سامانه‌های الکترونیکی جامع، زمینه‌خلق رانت‌های بزرگ را فراهم کرده بود. منابع بانکی به سهولت به بنگاه‌های شبه‌دولتی می‌رسید اما بنگاه کوچک و متوسط برای دریافت یک تسهیلات خرد باید ماه‌ها در صف کارشناسی می‌ماند. شفاف نبودن تبدالات مالی دولت و نبود حسابرسی برخط باعث می‌شد هزینه مبادله برای سرمایه‌گذار خصوصی بالا برود و انگیزه مشارکت در فعالیت رسمی کاهش یابد. در چنین فضایی، فرمان کوشید با تعیین ۸ محور مشخص، ۳ ضلع پیشگیری، کشف و برخورد قضایی را هم‌زمان فعال کند و پیام اجتماعی روشنی بدهد که فساد دیگر پرهزینه و نامن خواهد بود.

در بند نخست، فرمان پیشاپیش نسبت به موج مخالفت‌ها هشدار می‌دهد و می‌گوید رانت‌بران منسجم و پرنفوذ، بیکار نخواهند نشست. این جمله از دید اقتصاد سیاسی، اشاره صریح به نظریه گروه‌های ذی‌نفع است؛ جایی که اقلیت